

کتاب پولیتیا

سید حسن شجاعی دیوکلائی
عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران

توسعه نیافتگی و صنعتی سازی

ایران عصر قاجار و پهلوی اول



انتشارات تیسرا

به نام خالق پیدا و پنهان
که پیدا و پنهان داند به یک سان

سرشناسه	:	شجاعی دیوکلای، سیدحسن، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	توسعه یافتگی و صنعتی سازی ایران؛ عصر قاجار و پهلوی اول / نویسنده: سیدحسن شجاعی دیوکلای.
مشخصات نشر	:	تهران: توس، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۹ ص. جدول نمودار، ۲۱×۱۴/۵.
فروست	:	انتشارات توس، ۲۸۱ ش. کتاب پولیتیا؛ ۳۴.
شابک	:	۸۴۹۰۰۰ ریال - 978-۶۰۹-8942-52-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	عقب ماندگی - ایران - عم.
موضوع	:	Underdevelopment - Iran - Causes
موضوع	:	توسعه صنعتی - ایران - تاریخ.
موضوع	:	Industrial Promotion - Iran - History
موضوع	:	ایران - سیاست اقتصادی - ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق.
موضوع	:	Iran - Economic Policy - 1779-1925
موضوع	:	ایران - سیاست اقتصادی - ۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش.
موضوع	:	Iran - Economic Policy - 1925-1941
موضوع	:	ایران - اوضاع اقتصادی - قرن ۱۳-۱۴ ق.
موضوع	:	Iran - Economic Conditions - 19-20th Century
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۸ ۳ ش ۸ / ۶۷۰ HN
رده بندی دیویی	:	۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۴۹۸۰۰

توسعه نیافتگی و صنعتی سازی؛ ایران عصر فاجعه پهلوی اول

نویسنده: سید حسن شجاعی دیوکلانی

چاپ یکم: تابستان ۱۳۹۸

شماره نشر: ۲۸۱

ویراستار: امیرحسین غلامپور

صفحه آرا: سیمین حیدری

لیتوگرافی: یسنا، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: سعید صادقی

تعداد: ۵۵۰ نسخه

قیمت: ۸۴۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۴۲-۵۲-۸

۱۳.....

فصل یکم: توسعه‌نیافتگی و صنعتی‌سازی؛ ملاحظات نظری و تاریخی..... ۲۱

۱. مفهوم توسعه‌نیافتگی..... ۲۱

۲. تحمیل توسعه‌نیافتگی در ذوار تاریخی نظام سرمایه‌داری..... ۲۴

الف - عصر سرمایه‌داری تباری..... ۲۶

ب - عصر سرمایه‌داری صنعتی..... ۳۰

پ - عصر سرمایه‌داری بزرگ..... ۳۵

۳. پیامدهای توسعه‌نیافتگی..... ۳۸

۴. عصر سرمایه‌داری صنعتی و سیاست صنعت‌زدایی در جوامع توسعه‌نیافته..... ۴۳

۵. عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی و سیاست صنعتی‌سازی در جوامع توسعه‌نیافته..... ۵۱

فصل دوم: توسعه‌نیافتگی و صنعت‌زدایی؛ ایران عصر قاجار..... ۷۱

۱. سازوکارهای تحمیل توسعه‌نیافتگی در مناسبات نظام سرمایه‌داری..... ۷۱

۲. سازوکار تحمیل توسعه‌نیافتگی بر ایران عصر قاجار..... ۷۳

۳. پیامدهای تحمیل توسعه‌نیافتگی بر ایران عصر قاجار..... ۸۰

الف - تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی..... ۸۱

ب - واردات کالاهای ساخته‌شده مصرفی..... ۹۵

۴. توسعه‌نیافتگی و صنعت‌زدایی در ایران عصر قاجار..... ۱۱۱

فصل سوم: گذار از عصر قاجار به عصر پهلوی اول؛ فراهم شدن زمینه‌های

صنعتی‌سازی در وضعیت توسعه‌نیافتگی..... ۱۲۹

۱. گذار از عصر قاجار به پهلوی اول..... ۱۲۹

۲. فراهم شدن زمینه‌های صنعتی‌سازی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸..... ۱۴۲

۳. نقش و کارکرد حکومت در عرصه صنعتی‌سازی..... ۱۵۱

۴. واکاوی نقش و کارکرد حکومت در عرصه صنعتی‌سازی ۱۶۰

فصل چهارم: بحران اقتصادی ۱۹۲۹؛ اجرای سیاست صنعتی‌سازی با استراتژی

جایگزینی واردات ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ ۱۶۷

۱. جوامع توسعه‌یافته و بحران‌های اقتصادی جوامع سرمایه‌داری ۱۶۷

۲. پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بر جوامع توسعه‌یافته ۱۶۹

۳. پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ در ایران ۱۷۶

۴. واکنش‌های حکومت به پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ در ایران ۱۸۴

۵. صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزینی واردات و واکنشی به پیامدهای بحران در ایران ۱۹۶

۶. مبیت و پیامدهای سیاست صنعتی‌سازی در سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ ۲۱۸

فصل پنجم: پیامدهای روابط ایران و آلمان نازی بر سیاست صنعتی‌سازی ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ ۲۲۵

۱. سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی در آلمان ۲۲۵

۲. روابط اقتصادی ایران و آلمان نازی ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ ۲۳۴

۳. اولویت یافتن توسعه کشاورزی و دامپروری، پیامد روابط تجاری ایران و آلمان نازی ۲۴۳

۴. پیامد روابط ایران و آلمان نازی بر سیاست‌های صنعتی‌سازی ۲۵۱

الف - تشدید نظارت‌های حکومت بر تأسیس کارخانه‌های جدید و کند شدن روند صنعتی‌سازی ۲۵۶

ب - تغییر در استراتژی صنعتی‌سازی از جایگزینی واردات به توسعه صادرات ۲۶۲

فصل ششم: پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی‌سازی ۲۷۷

۱. پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی‌سازی ۲۷۷

الف - محاصره دریایی آلمان و پیامدهای آن بر سیاست صنعتی‌سازی ۲۷۷

ب - واکنش ایران به مشکلات ناشی از جنگ جهانی و محاصره دریایی آلمان ۲۸۴

۲. پیامدهای جنگ جهانی بر سیاست صنعتی‌سازی پس از شهریور ۱۳۲۰ ۲۹۳

الف - اخراج متخصصان و کارشناسان صنعتی آلمان از ایران ۲۹۴

ب - کاهش تولید و تعطیلی کارخانه‌ها ۲۹۶

پ - اشغال کارخانه‌های ایران توسط متفقین و به کارگیری آن‌ها در راستای اهداف نظامی ۲۹۷

نتیجه‌گیری ۲۹۹

کتابنامه ۳۰۹

پسگفتار

اقتصاد جوامع ماوراءدریاهه تا پیش از مواجهه با جوامع سرمایه‌داری اقتصادی معیشتی بود. در اقتصاد معیشتی هر تولیدکننده می‌کوشد در جریان تولید قبل از هر چیز نیازهای خود را برطرف کند. در این شیوه تولید رابطه جدایی‌ناپذیری بین تولیدکننده و مصرف‌کننده در نقطه ولید و مصرف وجود دارد. به نحوی که هر دو نقش تولیدکننده و مصرف‌کننده را یک فرد یا اعضای یک خانواده، منطقه و یا جامعه ایفا می‌کنند. چنین وضعیتی بر اقتصاد جوامع ماوراءدریاهه پیش از مواجهه با جوامع سرمایه‌داری حاکم بود. رشد و پیشرفت نظام سرمایه‌داری و توسعه‌طلبی آن به مناطق ماوراءدریاهه تغییرهای اساسی و مهمی در ساختارهای اقتصادی این مناطق ایجاد کرد.

بروز چنین تغییراتی با توجه به اقتصادی بودن ماهیت و هدف نظام سرمایه‌داری در راستای منافع اقتصادی جوامع سرمایه‌داری، و یا به تعبیر مانوئل آلرشتاین در راستای منافع ارزش‌افزای جوامع سرمایه‌داری، صورت می‌گرفت که هدف نهایی آن انباشت مداوم و بدون وقفه ثروت بود. برپایه چنین هدفی بود که جوامع سرمایه‌داری از اواخر قرن پانزدهم در مراحل سه‌گانه تطور نظام سرمایه‌داری، توسعه‌طلبی در جوامع ماوراءدریاهه را آغاز کردند و در نهایت در نیمه دوم قرن نوزدهم توانستند سلطه کامل خود را با تحمیل مناسبات سرمایه‌دارانه از طریق سازوکار حاکم بر بازار جهانی نظام سرمایه‌داری برقرار و

بدین ترتیب جوامع ماوراءدریاها را به جوامع توسعه نیافته تبدیل کنند. در نخستین مرحله نظام سرمایه داری که عصر سرمایه داری تجاری نامیده می شود جوامع سرمایه داری در قالب استعمار به اهداف اقتصادی خود که جمع آوری کالاهای بومی از مناطق ماوراءدریاها بود نائل می شدند. وقوع انقلاب صنعتی اما این هدف اقتصادی را تغییر داد و مناسبات اقتصادی جدیدی میان جوامع سرمایه داری صنعتی شده با جوامع ماوراءدریاها ایجاد کرد. شروع این مناسبات جدید در واقع شروع تحمیل وضعیت توسعه نیافتگی بود که منجر به شکل گیری تقسیم کار بازار جهانی نظام سرمایه داری شد. در چهارچوب تقسیم کار بازار جهانی نظام سرمایه داری، به جوامع توسعه نیافته کارویژه هایی اقتصادی تحمیل می شد. این کارویژه ها در هر یک از دوره های دوگانه بعدی نظام سرمایه داری، عصر سرمایه داری صنعتی و عصر سرمایه داری بزرگ مالی، بر پایه تمایلات و مطالبات جوامع سرمایه داری متفاوت بود.

در چنین شرایطی در تحمیل کارویژه های تقسیم کار بازار جهانی، جوامع توسعه نیافته به تعبیر دیگر، اوضاع و احوال و وضعیت بازتولید وابسته به بازار جهانی نظام سرمایه داری شدند. در نتیجه دچار شدن به این وضعیت، نوع تولید در جوامع توسعه نیافته بر اساس تمایلات و مطالبات جوامع سرمایه داری مشخص می شد. چنین تعیین تکلیفی در تمام بخش های مختلف اقتصادی جوامع توسعه نیافته صورت می گرفت و بر این اساس تمامی بخش های مختلف اقتصادی جوامع توسعه نیافته تحت تأثیر این رابطه و وابستگی کارویژه ای که در چهارچوب بازار جهانی نظام سرمایه داری تعیین می شد، بازتولید می پرداخت. بخش های مختلف اقتصاد جوامع توسعه نیافته از این فاعده تبعیت می کردند. به عبارت دیگر، بخش های مختلف اقتصاد جوامع توسعه نیافته بر اساس تکلیف ها و کارویژه هایی که جوامع سرمایه داری در چهارچوب مناسبات حاکم بر تقسیم کار بازار جهانی نظام سرمایه داری مشخص می شد عملکردهای اقتصادی خود را بروز می دادند. بخش صنعت جوامع توسعه نیافته از این قاعده مستثنی نبود.

بخش صنعت در اقتصاد جوامع ماوراءدریاها در آستانه مواجهه با اقتصاد

جوامع سرمایه‌داری معیشتی و پیشه‌وری بود. صنایع پیشه‌وری جوامع ماوراءدریاها در عصر سرمایه‌داری تجاری بدون روبه‌رو شدن با هیچ تهدیدی به حیات خود ادامه دادند؛ زیرا در این دوره جوامع سرمایه‌داری تجاری تنها به دنبال جمع‌آوری کالاهای بومی از مناطق ماوراءدریاها بودند؛ لذا چنین هدفی هیچ تهدیدی برای صنایع پیشه‌وری در جوامع ماوراءدریاها ایجاد نکرد.

این وضعیت اما در عصر سرمایه‌داری صنعتی دچار تغییر شد. انقلاب صنعتی به لحاظ اقتصادی الزام‌ها و ضرورت‌هایی برای جوامع صنعتی ایجاد کرد که موجب تغییر رویکرد جوامع سرمایه‌داری به مناطق ماوراءدریاها شد. یکی از این الزام‌ها دبی‌آوری و افزایش میزان تولید کالاها بیش از نیاز بازارهای داخلی در نتیجه به کارگیری صنایع ماشینی در جریان تولید ایجاد شده بود. در چنین شرایطی پیدا کردن بازارهای فروش جدید برای مازاد تولید ضروری بود. چنین ضرورتی موجب سوق داده شدن جوامع سرمایه‌داری به سوی جوامع ماوراءدریاها به منظور یافتن بازارهای فروش شد. در تحقق این مهم بود که جوامع سرمایه‌داری صنعتی تلاش خود را برای ورشکسته کردن صنایع پیشه‌وری جوامع ماوراءدریاها از یک سو و ممانعت از ایجاد صنایع ماشینی جدید از سوی دیگر به کار گرفتند تا بازارهای بیشتری برای تولیدات صنعتی خود که عمدتاً کالاهای ساخته‌شده مصرفی بود فراهم کنند.

چنین سیاستی روح حاکم بر مناسبات جوامع سرمایه‌داری با جوامع ماوراءدریاها بود و توسعه‌نیافتگی را باید محصول تحقق یافتن این سیاست در دوره زمانی مورد بحث دانست که به صورت جدی از سوی جوامع سرمایه‌داری مخصوصاً انگلستان دنبال می‌شد. نشانه‌های اعمال چنین سیاستی در برخی از جوامع توسعه‌نیافته مانند چین، عثمانی و مصر قابل مشاهده است.

اما الزام دیگری که انقلاب صنعتی ایجاد کرد افزایش نیاز صنایع به مواد اولیه و ضرورت تأمین آن از مناطق ماوراءدریاها بود. برآوردن این نیاز را جوامع سرمایه‌داری صنعتی به یکی از کارویژه‌های اصلی جوامع ماوراءدریاها در تقسیم کار بازار جهانی تبدیل کردند. بر این اساس جوامع ماوراءدریاها می‌بایست در راستای تقسیم کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری علاوه بر تأمین

بازار فروش مازاد تولید صنعتی، مواد اولیه مورد نیاز صنایع جوامع سرمایه‌داری را تأمین کنند. تحقق این مهم نشانگر عارض شدن وضعیت بازتولید وابسته به بازار جهانی در مناطق ماوراءدریاه‌ها و تبدیل شدن این مناطق به جوامع توسعه‌نیافته است. در چنین شرایطی جوامع سرمایه‌داری از طریق ورشکسته کردن صنایع پیشه‌وری و ممانعت از شکل‌گیری صنایع ماشینی جدید، تولید و صدور مواد اولیه را به‌عنوان کارویژه جوامع توسعه‌نیافته به آن‌ها تحمیل می‌کردند.

درحالی‌که در عصر سرمایه‌داری صنعتی، سیاست کلی جوامع سرمایه‌داری ورشکستگی صنایع پیشه‌وری و ماشینی در جوامع توسعه‌نیافته بود؛ این سیاست در مرحله سوم نظام سرمایه‌داری - که از آن به‌عنوان عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی نامیده می‌شود - تغییر کرد. چنین تغییری در نتیجه تحولی که در مناسبات تولیدی در جوامع سرمایه‌داری رخ داد صورت می‌گرفت.

عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی که از نیمه دوم قرن نوزدهم و در نتیجه انقلاب صنعتی دوم آغاز گردید، موجبات انباشت مازاد ثروت اعم از سرمایه‌های مالی و کالاهای سرمایه‌ای را فراهم کرد. در چنین شرایطی بود که جوامع سرمایه‌داری به‌منظور مقابله با بحران سود ناکافی در صدور سرمایه به جوامع توسعه‌نیافته برآمدند. صدور سرمایه‌ها به دو شکل و با اهداف متفاوت صورت می‌گرفت. شکل اول صدور سرمایه به صورت وام بود که این وام‌ها براساس اراده و اهداف حاکمان ممکن بود به سارف شخصی و یا سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی جوامع توسعه‌نیافته مانند شبکه حمل‌ونقل برسد. شکل دوم صدور سرمایه به‌منظور رهایی از بحران سود ناکافی صادرات کالاهای سرمایه‌ای بود که در نتیجه آن ماشین‌آلات و کارخانه‌های صنعتی، که در پی انقلاب صنعتی دوم به تولید انبوه رسیده بودند، به جوامع توسعه‌نیافته صادر می‌گردید.

درحالی‌که در عصر سرمایه‌داری صنعتی جوامع سرمایه‌داری به‌منظور صدور کالاهای ساخته‌شده صنعتی خود که عمدتاً کالاهای مصرفی بودند سیاست ورشکسته‌سازی صنایع پیشه‌وری و ممانعت از ایجاد صنایع ماشینی را

در جوامع توسعه‌نیافته در پیش گرفته بودند، این سیاست در عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی به سیاست ایجاد صنایع از طریق صدور کالاهای سرمایه‌ای به جوامع توسعه‌نیافته تغییر کرد. فراهم شدن چنین فرصتی از نیمه دوم قرن نوزدهم تا نیمه اول قرن بیستم زمینه‌های ایجاد صنایع ماشینی جدید با دو استراتژی جایگزینی واردات و استراتژی توسعه صادرات را در جوامع توسعه‌نیافته به وجود آورد.

در استراتژی جایگزینی واردات هدف از اجرای پروژه‌های صنعتی ایجاد صنایع در جهت تولید کالاهای مصرفی وارداتی بود. این استراتژی در زمانی اجرا می‌شد که امکان واردات کالاهای ساخته‌شده مصرفی برای جوامع توسعه‌نیافته با محدودیت و مشکل مواجه می‌شد. در استراتژی توسعه صادرات هدف از اجرای پروژه‌های صنعتی ایجاد صنایعی در جهت تولید بیشتر و باکیفیت‌تر مواد اولیه با هدف صدور به بازارهای جهانی بود. این استراتژی صنعتی‌سازی زمانی در جوامع توسعه‌یافته اجرا می‌شد که مبادلات مواد اولیه در نتیجه رونق اقتصاد جوامع سرمایه‌داری در بازارهای جهانی رونق داشت.

بدین ترتیب در پی بروز بحران سود کافی در عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی امکان ایجاد صنایع ماشینی جدید و اجرای سیاست صنعتی‌سازی از طریق صدور کالاهای سرمایه‌ای در برخی از کشورهای توسعه‌یافته فراهم شد. فراهم شدن چنین امکانی نخستین تجربه ایجاد صنایع ماشینی جدید و اجرای سیاست صنعتی‌سازی در کشورهای توسعه‌نیافته را به همراه داشت. چنین تجربه‌ای اگرچه بار دیگر پس از جنگ جهانی دوم تحت تأثیر شرایط دنیای پس از جنگ مخصوصاً شرایط ایجادشده ناشی از جنگ سرد در کشورهای توسعه‌یافته تکرار گردید، اما مسئله اصلی این پژوهش بررسی نخستین تجربه جوامع توسعه‌نیافته در عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی در زمینه ایجاد صنایع ماشینی جدید و اجرای سیاست صنعتی‌سازی با تمرکز بر نخستین تجربه جامعه اقتصادی ایران در این راستاست.

متأثر از این مسئله است که در پژوهش پیش رو ایجاد صنایع ماشینی جدید و صنعتی‌سازی در ایران طی دوران قاجار و پهلوی اول مورد بررسی

قرار می‌گیرد. در راستای تبیین مسئله اصلی تحقیق، پرسش‌های پژوهش بر این اساس قرار دارند که سیاست جوامع سرمایه‌داری در مراحل سه‌گانه نظام سرمایه‌داری در قبال صنایع و صنعتی‌سازی در جوامع توسعه‌نیافته چه بود؟ چنین سیاستی چه تأثیرها و پیامدهایی بر ایجاد صنایع ماشینی جدید و صنعتی‌سازی در ایران عصر قاجار و پهلوی اول به‌عنوان کشوری توسعه‌نیافته داشته است؟ و بالاخره اینکه صنعتی‌سازی در وضعیت توسعه‌نیافتگی در ایران عصر قاجار و پهلوی اول چه دستاوردهایی به‌همراه داشته است؟

✱

از کودکی آموختیم که هر کس شکرگزار مخلوق نباشد شکرگزار خالق متعال نیز نمی‌واند باشد. بر این اساس برخورد لازم می‌دانم تا مراتب سپاس خود را نسبت به همه کسانی که این‌جانب را در طی سال‌های تدوین این اثر کمک و همراهی کردند ابرار دارم. از پدر گران‌قدرم، سید محمد شجاعی، اولین معلم زندگی‌ام که در این کتابت استادی به اخلاق را به من آموخت سپاس‌گزاری می‌کنم. مادر عزیزم، شکوفه اسدیان، را که در سایه‌سار فداکاری‌های او دشواری‌های زندگی آسان می‌شد و به تکریم می‌کنم. همسر مهربان و صمیمی‌ام، سالمه پورعلی، را که به پیش و وجودش شاهد شیرین عشق است و شادی‌بخش زندگی عاشقانه ستایش می‌کنم.

همچنین بر خود لازم می‌دانم از سایر اعضای خانواده - خواهران و برادران عزیزم سیده پروین شجاعی، سیده زهرا شجاعی، سیده مرضیه شجاعی، سید حسین شجاعی و سید محسن شجاعی - که مرا با حمایت‌های معنوی، روحی و عاطفی خود برخوردار کردند صمیمانه سپاس‌گزار باشم. در کنار این عزیزان از اعضای محترم خانواده همسر، جناب آقای علی‌اصغر پورعلی، بانو سیما فرجی، جناب آقای کامیل پورعلی، جناب آقای سهیل پورعلی و سرکار خانم صاحبه پورعلی که با لطف و همراهی خود زمینه و فرصت‌های بیشتری در راستای تمرکز بر امور مطالعه و تحقیق برای این‌جانب فراهم می‌کردند سپاس‌گزاری می‌کنم.

در کنار این عزیزان بر خود لازم می‌دانم تا مراتب سپاس‌گزاری و قدردانی

خود را به محضر استادان گران‌قدری که در تدوین این اثر اینجانب را مورد مساعدت‌های علمی خود قرار داده‌اند ابراز دارم. از استاد محترم جناب آقای دکتر سهراب یزدانی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، و استاد گرامی جناب آقای دکتر محمدعلی اکبری، استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، که راهنمایی‌های مؤثری در تدوین این اثر به بنده ارائه داده‌اند تقدیر و تشکر می‌کنم.

در کنار این عزیزان مراتب قدردانی خود را به محضر استادان محترم و گران‌قدر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی که در مقاطع تحصیل کارشناسی ارشد و دکتری مرا راهنمایی و کمک‌های ارزانی فرموده‌اند، جناب آقای دکتر علی بیگدلی، جناب آقای دکتر رحمانی، جناب آقای دکتر الهیار خلعتبری، جناب آقای دکتر جمشید آزادگان، جناب آقای دکتر عطالله حسینی، جناب آقای دکتر کریم سلیمانی دهکردی و جناب آقای دکتر قباد منصور بخت ابراز می‌دارم.

همچنین از سایر استادان و همکاران سابق و حال حاضر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی جناب آقای دکتر محمد حاجی‌تقی، جناب آقای دکتر حسن باستانی‌راد، جناب آقای دکتر زهیر صیامیان‌گرگی و سایر همکاران و دوستان عزیز و سرافرازان گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی صمیمانه تشکر می‌کنم و برای همه این عزیزان از درگاه خداوند متعال آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون علمی در جهت خدمت به تاریخ و فرهنگ این مرزوبوم پرگهر، ایران عزیز، می‌نمایم.

در پایان و به رسم ادب بر خود لازم می‌دانم تا مراتب سپاس‌گزاری خود را نسبت به دوست عزیزم جناب آقای علی مسگر، دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه تهران، ابراز دارم. همچنین از سرور عزیز و معلم بزرگ زندگی‌ام جناب آقای حاج‌علی اروجقلی که همواره حضور و کلامش چراغ هدایت است صمیمانه قدردانی و سپاس‌گزاری می‌کنم.